بسم الله الرحمن الرحيم

# وجوب حضانت

بحث ما در وظائف تربيت خانوادگي بود و در تربيت خانوادگي گفتيم كه يك بخش تربيت جسماني و رسیدگی‌های مادي و طبيعي نسبت به شئون و امور فرزند است كه در مورد رضاع بحث كرديم و در حضانت اين سؤال مطرح بود كه حضانت واجب است يا مستحب؟ كه نه دليل براي وجوب آورديم كه از ميان آن‌ها يكي دو مورد را پذيرفتيم و گفتيم دلالت بر اين می‌کند كه وظيفه الزامي والدين رسیدگی‌های طبيعي و جسماني و حضانت است و اين حكم وجوب بود و بعد گفتيم اين وجوب چه مميزات و ویژگی‌هایی دارد؟ در نكته اول گفتيم كه اينجا دو حكم الزامي وجود دارد كه يكي اين است و يكي هم حكم الزامي كفايي عام است كه اين دو در والدين موجب تأكد می‌شود و بعضي اوقات اين حکم‌ها از هم جدا می‌شوند مثلاً اگر كودك پدر و مادر و اقربا نداشته باشد اين حكم، يك حكم الزامي عمومي است.

## نوع وجوب حضانت

### الف. عام يا خاص

در اينجا دو وجوب وجود دارد: يكي وجوب خاص و ديگري وجوب عام؛ و مطلب دوم اين است كه اين دو وجوب باهم در حدود دلالت، تفاوت دارند يعني در حكم عام می‌گوید مانع از مرگ و مریضی‌های مهم بايد شد اما حكم خاص پدر و مادر، می‌گوید بايد حضانت كرد و بايد به طور متعارف رسيدگي كرد.

### ب. كفايي يا عيني

نكته سوم اين است كه هر دو وجوب كفايي است يعني وجوب عام كفايي بين جميع مكلفين است و وجوب خاص بين والدين هم كفايي بين الوالدين است.

### ج.حضانت، يسقط بفعل الغير

نكته چهارم اين است كه اين وجوب‌ها در اينجا وجوب‌هایی است كه يسقط بفعل الغير و لو كانوا غير متلّقين يعني واجباتي است كه با امتثال غير، از خود مكلف ساقط می‌شود كه قرينه عقليه دارد و چيزي كه قابل تكرر نيست با فعل غير ساقط می‌شود.

### د. عدم شرطيت مباشرت

نكته پنجم اين است كه عرف می‌گوید براي حضانت به عنوان يك تكليف، مباشرت شرط نيست و وظیفه‌ای كه بر دوش پدر و مادر است به عنوان يك وظيفه الزامي بر دوش آن‌هاست اما لازم نيست به طور مستقيم مباشرت كنند و واگذاري اين امور به غير از طريق ايكال و استيجار و ... جايز است و آن هم به صورت تكليف است و مباشرت شرط نيست.

# استحباب حضانت والدين

البته اين منافاتي با ارتباط و رسیدگی‌های مستقيم در باب حضانت ندارد، وقتي در رشد روحي فرد تأثير دارد استحباب اين با عناوين عامه و كلي اثبات می‌شود و علتش اين است كه از نظر علمي مسلم است كه تماس و ارتباط عاطفي مستقيم پدر و مادر تأثيري دارد كه در ايكال اين امر به غير وجود ندارد. پس اين تأثير بر عناوين كلي استحباب مؤكدي دارد كه خودشان به طور مستقيم قيام به اين امر كنند و علتش اين است كه هر كاري كه در نفع به غير باشد و در نفع فرزندان و خانواده باشد مستحب هست ولي تكليف الزامي هم يسقط بفعل الغير المتبرع و هم امتثال آن يحسن باستيجار الشخص الآخر للحضانة.

مثلاً در ارشاد جاهل يا تعليم معارف دين، اين وظیفه‌ای بر دوش همه علما هست و درعین‌حال حكومت و ولايت و حاكميت وظيفه دارند. منتهي اگر علما نتوانستند قيام كنند اين وظيفه بر بقيه واجب می‌شود در اينجا هم اگر هیچ‌کس به حضانت كودك قيام نكرد و اين كودك مبتلا شد در اينجا همه معصيت کرده‌اند اما پدر و مادر معصيت مضاعف دارند.

# وجوب خاص در حضانت

نكته ششم اين است كه آيا اين وجوب خاص اختصاص به پدر و مادر دارد يا اقرباء ديگر مثل جد و جده و نزديكان ديگر را هم شامل می‌شود؟ دو احتمال وجود دارد:

## الف. وجوب خاص بر والدين

الف. ممكن است بگوييم وجوب حضانت مختص به پدر و مادر است و اگر از پدر و مادر عبور كرد بقيه مشترک‌اند و در وجوب عام وارد می‌شود.

## ب. وجوب خاص بر والدین و اقربا

ب. احتمال ديگر اين است كه ممكن است بگوييم اين حضانت اختصاص به پدر و مادر ندارد و دايره وسیع‌تری دارد كه اين احتمال دوم خودش دو صورت است: يكي اين است كه می‌گوییم ديگراني كه در دايره اين حكم قرار دارند در عرض پدر و مادر هستند يا اين كه تكليف طولي است. طولي به اين معناست كه تا وقتي پدر و مادر هستند وظيفه آن‌هاست و اگر نبودند يا قيام به امر نكردند اقربا تكليف ویژه‌ای نسبت به حضانت دارند.

در اينجا سه احتمال وجود دارد: اول اين كه بگوييم تكليف خاص خانوادگي، فقط براي پدر و مادر است و دوم اين كه بگوييم اين تكليف براي پدر و مادر است و اگر نبودند تكليف نزديكان است و سوم اين كه تكليف در عرض هم و درآن‌واحد متوجه پدر و مادر و خويشان نزديك هست.

# دلايل وجوب خاص حضانت بر اقربا

## الف. آیه ائتمار

اگر ما به ادله مراجعه كنيم بايد ببينيم کدام‌یک از اين سه احتمال را تعيين می‌کند. در اينجا از ميان نه دليلي كه قبلاً آورده شد دو دليل تام بود كه يكي آيه شريفه **«أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف‏»**طلاق/6بود كه اين دلالت نمی‌کند چون **أْتَمِرُوا** خطاب به پدر و مادر بود و به غير والدين كاري نداشت و لذا **أْتَمِرُوا** از دايره استدلال خارج می‌شود.

## ب. حكم عقلا

يكي هم حكم عقلايي وجود داشت كه پدر و مادر حكم منجز عقلا و عقل است بر اين كه بايد نسبت به حضانت فرزندشان قيام كنند. كه بايد ببينيم اين دليل اختصاص به والدين دارد يا می‌تواند شمول داشته باشد كه اگر شك در شمول داشته باشيم و نتوانيم احراز كنيم، آن را شامل نمی‌شود چون دليل لبّي است و اطلاق ندارد و اگر در ارتکازات عقلايي و حكم عقلايي نتوانيم شمول را به دست آوريم، نمی‌شود به آن استدلال كرد و بعيد نيست بگوييم اين حكم و ارتکاز عقلايي كه شارع آن را ردع نكرده و پذيرفته است، احتمال دوم را می‌گوید يعني تا وقتي پدر و مادر هستند وظيفه آن‌هاست ولي اگر نباشد ظاهراً جد و جده و اقرباي نزديك را شامل می‌شود.

پس آيه ائتمار اختصاص به پدر و مادر دارد و دلالت ندارد اما حكم عقلي ولو اين كه دليل لبّي است اما بعيد نيست كه بگوييم در صورت فقد والدين اقربائي كه در درجه اول هستند مشمول حكم می‌شوند.

## ج. ادله ارث يا ولايت جده

دليل سومي كه در اينجا می‌شود آورد ادله ارث يا ولايت جد و جده و ... است كه ممكن است كسي بگويد از ولايت جد و جده و... استفاده می‌کنیم كه اگر آن‌ها نباشد این‌ها بايد قيام به اين وظيفه كنند يا سهام ارث دلالت بر اين وظيفه می‌کند كه اين استدلال سوم به نظر می‌آید كه تام نيست براي اين كه سهم‌الارث می‌برد و در ازدواج نيز ولايت دارد ولي بعيد نيست كه در نزديكان وجوب باشد ولي اگر در اين حدود نباشد در دايره تكليف عمومي قرار می‌گیرد البته در آنجا غير از تكليف عمومي مكلفين، تكليف ولايي و حكومتي نيز وجود دارد يعني حكومت نيز وظايفي دارد كه بعداً آن را بحث خواهيم كرد.

در حضانت بحث مالي مطرح نيست و رسيدگي و جمع‌وجور كردن و نظافت و معالجه را شامل می‌شود و بحث هزینه‌ها از بحث حضانت جدا هست.

# دامنه حضانت

بحث ديگري كه قبلاً بيان شده است اين است كه حدود حضانت و دامنه و دايره حضانت چيست؟

## الف. در آیه ائتمار

در دليل ءاتمرو مفهوم حضانت وجود نداشت و مفهومي كه وجود داشت اين بود كه امور كودك را به نحو خوب و نيكو تدبير كنيد و براي اداره بهتر كودك همكاري كنيد.

## ب. در حكم عقلا

دليل عقل هم كه دليل لبّي است موضوع خاصي ندارد و بايد قدر متيَّقن موضوع را در نظر گرفت و قدر متيَّقن همان رسیدگی‌های متعارف در هر زمان است كه زمان به زمان می‌تواند متفاوت باشد.

بنابراين از اين دو دليل ائتمار و دليل عقلي چيزي كه استفاده می‌شود اين است كه آنچه نسبت به اين كودك معروف است، عرف در معاشرت با آن می‌گوید اين كار نيك متداول نسبت به اوست يعني نیکی‌هایی كه بايد در عرف عام نسبت به كودك داشت از لحاظ غذا و نوع غذا و نظافت و...

## ج. در ادله احقيت و در روايات

مفهوم حضانت در ادله وجوب يكي معروف است و ديگري حكم عقلاست كه رسيدگي به شئون كودك و... است منتهي چون در ادله احقيت، حضانت آمده است و چون در روايات آمده است كه اين مفهوم احق به حضانت است بعيد نيست در اينجا استفاده كنيم كه موضوع ائتمار و وجوبي كه در اينجا آمده، همان حضانت است. كه اگر اين طور باشد، در اينجا سه مفهوم پيدا می‌شود كه يكي عمل به معروف نسبت به شئون فرزند هست و يكي حكم عقل است كه موضوع آن، موضوع مجملي است يعني موضوع ویژه‌ای ندارد و قدر متيَّقنش كارهايي است كه بايد به طور متعارف انجام شود و ديگري حضانت است و حضانت هم يعني رسیدگی‌های متعارف و لذا اگر از هر يك از اين زاویه‌ها يعني چه دليل ائتمار و چه دليل عقلي و عقلايي و چه مفهوم حضانت كه در ادله احقيت آمده وارد شويد در نهايت همان حضانت عرفيه، خارج می‌شود و حضانت عرفيه يعني رسيدگي به امور كودك و او را در كنف حمايت خود قرار دادن و به شئون او توجه كردن و از خطرها حفظ كردن و...

# حضانت امري نسبي

البته در اينجا حضانت نسبي است چون عرف‌ها متغير است و آنچه در عرف آن زمان بوده با عرف اين زمان متفاوت است مثلاً در آن زمان براي نظافت كودك، شاخص‌ها خيلي پايين بود ولي الان، شاخص نظافت خيلي بالاست و اين تابع عرف است و البته عرف متغير است يعني هم تحول زمان در آن دخيل است و هم تحول مكان در آن دخيل است و چيزي كه بر خانواده وظيفه است، حضانت عرفيه هست نه حضانت‌های خاص سطح بالا.

# زمان در حضانت (سن فرزند)

بحث ديگر اين است كه اين حضانت، از لحاظ سني و زماني چگونه است؟ در اينجا بايد به دو سه دليل گفته شده مراجعه كنيم و ببينيم اين دلیل‌ها در چه حدي به اين امر دلالت می‌کنند.

## الف. در آیه ائتمار

ءاتمرو بينكم بمعروف، بيشتر منصرف اين آيه به شرايطي است كه كودك نياز به حضانت دارد و نياز به معروف دارد و معروف‌ها در شرايط سني متفاوت است و لذا از آيه **«أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف‏»** بيش از اين برنمی‌آید كه اين كودك نياز به رسیدگی‌ها و مواظبت‌های متداول دارد كه اين رسیدگی‌ها هم درجات متفاوتي دارد در دوران شیرخوارگی و... و در مورد سن هم در اينجا نمی‌توانیم بگوييم تكليف يا غير تكليف و چيزي كه در اينجا عرف از معروف مورد نياز او می‌فهمد همان نياز اوست تا وقتي كه عرف می‌گوید نياز به اين امر دارد و ممكن است كسي قبل از تكليف به بلوغ عقلي و رشدي رسيده و مستقل باشد و ممكن است كسي مريض باشد و تا آخر نياز داشته باشد، مثل معلولين. پس صدق معروف در اين امر تابع نياز اوست و اين نياز است كه تعیین‌کننده اين وظيفه است و ممكن است اين نياز بعد از سن تميز و حتي قبل از بلوغ منتفع شود و ممكن است معلولي باشد كه تا آخر نياز دارد و لذا وظيفه حضانت اين معلول بر دوش پدر و مادر است تا وقتي كه نياز دارد و پدر و مادر می‌توانند، البته می‌توانند او را به بهزيستي بسپارند ولي اگر كسي قيام نكند همه جامعه و حكومت تكليف دارند و البته پدر و مادر تكليف مضاعف دارند.

## ب. در حكم عقلا

در دليل عقلي، چيزي كه عقل و عقلا می‌فهمد و شرع هم آن را تأييد می‌کند اين است كه نياز متداول كودك در زندگي طبيعي و جسماني بايد مرتفع شود مثل بخش نظافت و لباس و بهداشت و سلامت و معالجه و غذا و... كه اين تابع تكليف و سن خاصي نيست و تا وقتي كه نياز وجود دارد و رشد لازم براي تأمين نياز نيست، اين تكليف وجود دارد و لذا شامل معلولين هم می‌شود و اگر شك كنيم، استصحاب می‌شود يعني در معلوليني كه به بلوغ رسيده است و به رشد عقلي رسيده ولي نمی‌تواند نيازهايش را برطرف كند كه در اينجا با دليل می‌گوید آن را شامل می‌شود و اگر شك كنيم، استصحاب می‌شود كه بايد به حضانت و رسيدگي به شئون اين معلول ادامه دهد.

چند بحث ديگر در باب حضانت وجود دارد كه در كتاب نكاح آمده است.

پس در تربيت جسماني تا اينجا گفتيم كه سه مفهوم كليدي وجود دارد: يكي رضاع يعني شیردهی است كه البته اگر دلیل خاصي براي رضاع نبود، حضانت رضاع را هم شامل می‌شد البته گفتيم كه رضاع بر مادر مستحب مؤكد است ولي بر پدر، تغذيه واجب است و دليل خاص داشت و حكمش را متفاوت كرده است.

مفهوم دوم حضانت بود كه مفهوم عرفي است و ابعادش روشن شد.

# تربيت خانوادگي / نفقه

مفهوم سوم نفقه است كه در باب نفقه، بحث، هزینه‌های زندگي فرد است و نفقه يعني اعطاي مال و پرداخت هزينه، كه اين هم بحث مهمي است كه در متون فقهي آمده است و در باب انفاق به كتاب نكاح مراجعه كنيد كه در آنجا درباره ادله وجوب و دامنه وجوب انفاق بحث‌های مفصلي شده است و دو بحث كه كمتر به آن‌ها پرداخته شده است و مورد توجه بحث ما هست اين است كه آيا بايد هزینه‌های آموزش كودك داده شود يا خير؟ چيزي كه بين فقها مشهور است لباس و مسكن و خوراك هست كه جزئيات آن‌ها در كتاب نكاح آمده است و پاسخ به اين سؤال را جلسه آينده بحث خواهيم كرد.